پیگیری حادثه

گزارش میدانی هم‌میهن از وضعیت بازار آهن شادآباد یک‌روز پس از آتش‌سوزی

بازی آتش و خاکستر در ۱۰ دقیقه

کسبه می‌گویند به دلیل اجرانشدن تذکرهای شهرداری و آتش‌نشانی، ممکن است بیمه خسارتی پرداخت نکند

سارا سبزی
خبرنگار گروه جامعه

همه کسبه بازارآهن شادآباد عصر شنبه آن ابر سیاه متراکم را دیده بودند، حتی ساکنان یک محله دورتر هم اگر روی پشت‌بام می‌ایستادند، می‌دیدند که آن دود غلیظ و سیاه از جایی در جنوب غرب تهران بلند می‌شود: «یک لحظه فکر کردیم می‌خواهد باران ببارد.»

خبری از باران نبود، شعله‌های آتش بود که سه کوچه از بازار آهن را گرفته و قرار بود تا چند ساعت بعد همه‌چیز را به خاکستر تبدیل کند؛ آتشی که از یک جرقه فرز و بارهای تینر، چسب و اسپری رنگ شروع شد. ابتدا شایعه در شهر پیچید که دود از حادثه در فرودگاه مهرآباد بلند شده، اما بعد سخنگوی سازمان هواپیمایی کشوری گفت که در فرودگاه مهرآباد هیچ‌گونه صدایی شنیده نشده و صدایی هم گزارش نشده است. نزدیکِ ۲۴ ساعت بعد از شروع آتش‌سوزی در مجتمع تجاری پارسیان بازارآهن شادآباد، هنوز هم دود رقیقی در همان حوالی از باقی‌مانده ضایعات سوخته بلند می‌شود؛ آتش کامل خاموش شده، نیروها و ماشین‌های آتش‌نشانی همان اطرافند و حالا آمار رسمی فوتی‌ها سه‌نفر اعلام شده است: سه کارگر افغانستانی که کسی نام آنها را نمی‌داند. سازمان پزشکی قانونی کشور اعلام کرده است که هویت جان‌باختگان آتش‌سوزی بازار آهن تهران هنوز شناسایی نشده است؛ چون برای شناسایی و تعیین هویت این پیکرها نیاز به انجام آزمایش‌های تخصصی است. آمار نهایی فوتی‌های حادثه سه نفر و تعداد مصدومان هم هفت نفر اعلام شده است.

در خیابان‌های باریک و پر از ماشین و بار بازار، همه از ظهر روز شنبه حرف می‌زنند؛ پشت تلفن، دو به دو، دم مغازه‌ها. کنار آن شلوغی رفت‌وآمد ماشین‌ها و دود باقی‌مانده از آتش روز گذشته و رفت‌وآمد کامیون‌ها. عصر روز حادثه دادستان تهران در محل آتش‌سوزی حاضر شد و سرپرست دادسرای منطقه یافت‌آباد را مامور کرد تا زمان اطفای کامل حریق در محل حضور داشته باشد. همان زمان با دستور دادستان تهران، بازپرس ویژه قتل در محل حاضر تا نسبت به صدور دستورات قضایی اقدام کند.

روایت کسبه‌ای که آتش‌سوزی ظهر شنبه را دیده‌اند، یکسان است؛ جرقه فرزکاری به بار تینر، چسب و اسپری رنگ می‌رسد و بعد کم‌کم باقی مغازه‌ها هم شعله‌ور می‌شوند؛ ۱۰ دقیقه زمان لازم بود که فروشگاه‌های چسب، رنگ، تینر، مواد شیمیایی و پشم‌شیشه در این سه کوچه در آتش بسوزند

آتش‌نشانی هم وسعت حریق بازار شادآباد را ۱۰ هزار مترمربع اعلام کرد؛ سه کوچه درست در قلب مجتمع تجاری پارسیان که بخش زیادی از فروشندگان، اجناس شیمیایی، پلی‌اتیلن، چسب، رنگ و... می‌فروشند. وسعت آتش آنقدر بالا بود که بیش از ۵۰ تانکر به منطقه رسید. کپسول‌های گاز و دبه‌های چسب مدام دچار انفجار می‌شدند و حوالی عصر انتقال حریق به سایر مغازه‌های بازار کنترل شده است. آنطور که قدرت‌الله‌محمدی، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران اعلام کرده است: «هیچ اصول استانداردی در این محدوده رعایت نشده است و بارها اخطار به مغازه‌داران داده شده اما متاسفانه گوش شنوایی وجود ندارد.»

مرگ پشت دیوارهای مغازه

روایت کسبه‌ای که آتش‌سوزی ظهر شنبه را دیده‌اند، یکسان است؛ جرقه فرزکاری به بار تینر، چسب و اسپری رنگ می‌رسد و بعد کم‌کم باقی مغازه‌ها هم شعله‌ور می‌شوند؛ ۱۰ دقیقه زمان لازم بود که فروشگاه‌های چسب، رنگ، تینر، مواد شیمیایی و پشم‌شیشه در این سه کوچه در آتش بسوزند. «در این بخش از مجتمع تجاری پارسیان همه فروشنده چسب، رنگ، تینر و لوله پلیکایند؛ مخصوصاً راسته‌هایی که سوخته‌اند. نزدیک به ۱۰۰ مغازه سوخته است و سه کارگر افغانستانی فوت کردند.» فروشنده یکی از فروشگاه‌های مجتمع پارسیان از مرگ این سه کارگر می‌گوید، ماجرا همانی است که باقی فروشنده‌ها تعریف می‌کنند: «وقتی آتش‌سوزی شروع می‌شود، این کارگران می‌روند داخل مغازه و کرکره را پایین می‌دهند که آتش از مغازه‌های کنار به داخل سرایت نکند. همزمان همه برق را قطع می‌کنند و این سه نفر پشت کرکره می‌مانند. کارگر همان مغازه بودند. هنوز دارند مغازه‌ها را می‌کشند بیرون. آن قسمت مثل بمب بود.»

انبار مواد شیمیایی روی بارانداز‌ها

مجتمع پارسیان در دهه ۹۰ ساخته شده و به نسبت مجتمع‌های دیگر بازار آهن (۱۷ شهریور، پاییزان، بوستان، بهاران، کوثر و مجتمع اخوان یارلو) جوان‌تر است، اما کسبه می‌گویند اصولی ساخته نشده و تنها بخش بازار آهن که به ساخت استاندارد معروف است، بازار «آهن‌مکان» است که خیابان‌هایی با عرض بیشتر دارد. آنها تعریف می‌کنند قرار بود بخش‌هایی از بازار آهن به پرده‌فروش‌های عبدل‌آباد سپرده و بازار آهن به نقطه دیگری منتقل شود، اما در میان کسبه با آن مخالفت شد. کوچه‌های مجتمع‌های تجاری بازار آهن پر از فروشگاه‌هایی متراکم است؛ هرمغازه یک بارانداز دارد که هم انبار است و هم ویترینی برای تینر، اسپری‌های رنگ و... یکی از کسبه که فروشگاهش نزدیک به کوچه‌های سوخته پارسیان است، می‌گوید به‌خاطر همین بارانداز‌هاست که آتش‌سوزی شروع شد: «هر دو طرف کوچه سوخته است. بعضی از مغازه‌های این راسته «دوکله‌اند»؛ یعنی یک در به کوچه پشتی دارند و آتش به کوچه پشتی هم رسیده است؛ هر سه کوچه با هم آتش گرفته‌اند. آتش‌نشانی برای بازرسی نمی‌آید اما قبلاً به مغازه‌دارها اخطار داده شده است.»

قسمتی که آنها بودند چسب، تینر، رنگ، ایزوگام، پشم‌شیشه و لوله پلیکا می‌فروشند، همه مواد نفتی و قابل اشتعالند. خودشان می‌گویند قبلاً به آنها اخطار داده شده که کالاهایشان را بیرون از مغازه نچینند.

بمب‌های متحرک روبه‌روی فروشگاه‌های بازار آهن

ساعت دقیق اولین انفجار را یکی دیگر از کسبه می‌گوید: «ساعت ۲:۰۷ دقیقه.» درست در همان ساعت ۱۱ ایستگاه آتش‌نشانی همراه خودروهای تجهیزات تنفسی، بالابر و... به محل حادثه اعزام شدند. سقف مغازه او هم سوخته بود، احتمالاً از شدت انفجار بار اسپری‌های رنگ که بعد از آتش‌گرفتن به اطراف پرتاب شدند. هیچ‌کدام از کسبه تمایلی ندارند نامی از آنها برده شود: «داشتند برای ساختن یک داربست فرزکاری می‌کردند، همان زمان بار تینر و رنگ می‌رسد. جرقه فرز به بار تازه‌رسیده می‌رسد، اجناس گُر می‌گیرند و مغازه اول منفجر می‌شود. همین باعث می‌شود مغازه‌های دیگر هم گُر بگیرد. بیشتر از ۵۰ مغازه بود.»

چرا بار را جلوی فروشگاه می‌گذارند؟

-«به‌خاطر جذب مشتری است که جنس‌ها را بیرون مغازه می‌گذاریم، فضا کم است و اجناس اگر داخل نگهداری شوند از بیرون دیده نمی‌شوند، مگر اینکه مغازه‌دار شناخته‌شده باشد و مشتری به‌خاطر او بیاید. بلوک‌های دیگر را هم نگاه کنید! جنس‌ها بیرون از مغازه است. ما انباری داریم که دو هزار متر است، اما دور است به مغازه‌ها و رفت‌وآمد به آن و آوردن جنس سخت است.»

چقدر طول کشید آتش خاموش شود؟

-«پنج، شش ساعت، انگار هنوز دارد می‌سوزد. ساعت دو ظهر شروع شد، تا ساعت ۱۱ داشت می‌سوخت. ساعت ۱۲:۳۰ شب که از پنجره بیرون را نگاه کردم، هنوز داشت می‌سوخت ولی کم شده بود» خانه او در محله فردوس بود و این یعنی ارتفاع دود و آتش از مناطق دیگر هم دیده می‌شد.

مغازه اول که فرزکاری همان‌جا انجام می‌شد، چسب‌فروشی و روبه‌روی پارکینگ پارسیان بود: «اسپری از آنجا تا جلوی مغازه ما هم رسید؛ ۱۰۰ متر می‌شود. سقف بالای این مغازه سوراخ شده؛ چون اسپری افتاد.» خیلی از مغازه‌ها بیمه نیستند: «بین این ۷۰ مغازه شاید دو مغازه بیمه شده باشند. بیمه سالی ۱۰ میلیون هزینه دارد، شاید هم کمتر. بار را که می‌آورند همان جا روی بارانداز‌های جلوی مغازه نگهداری می‌کنند. اینها مثل فتیله است، یک مغازه آتش بگیرد، باقی هم آتش می‌گیرد، چون به هم وصلند.»

شاید هزار میلیارد تومان خسارت!

آتش به ساختمان اداری مجتمع پارسیان هم رسیده و نیمی از دیوارهای آن سیاه شده است. یک ساختمان بلند که حالا روبه‌روی آن پر از لاشه خودروهای سوخته و ماشین‌های آتش‌نشانی است.

یکی از مغازه‌دارها تعریف می‌کند یک فروشنده ۴۰۰ میلیون پول را گذاشته بود روی میز، ظرف دو دقیقه که آتش گرفت، همه پول‌هایش سوخت. او هم تمایلی ندارد نامش برده شود: «آتش‌نشانی می‌آمد و درباره ناایمن بودن تذکر می‌داد. وقتی می‌آمدیم که بارانداز‌ها را جمع کنیم، شهرداری می‌گفت یک پولی به من بدهید، من ردش می‌کنم و می‌توانید بارها را همین جا (روبه‌روی مغازه‌ها) نگهدارید. من شنیدم هشت نفر را تا امروز صبح پیدا کردند. به نظر بیشتر است؛ چون دارند آواربرداری می‌کنند. شهرداری کاری ندارد به این جنس‌ها در پیاده‌رو. خیابان خراب است، آسفالت را درست نمی‌کند.» آخرین آمار رسمی از فوتی‌های حادثه سه نفر است؛ همان سه کارگر افغانستانی که پشت کرکره‌های مغازه ماندند و دیگر بیرون نیامدند. همه فروشگاه‌های بازارآهن وضعیت مشابهی دارند: «اینجا سیستم اطفای حریق ندارند. یک شیر هیدرانت آتش‌نشانی اینجا نیست. دیروز آتش‌نشانی از شیر هیدرانت بیرون بازار استفاده کرد، اما آب نداشت. از پاساژ آوا جنرال - ۵۰۰ متر بالاتر از این کوچه - شلنگ کشیدند تا اینجا. آب رسید اینجا اصلاً فشار نداشت.

عکس: سارا سبزی، هم‌میهن

از جامعه چه خبر؟

وکیل الهه محمدی، خبرنگار در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

پرونده الهه محمدی مشمول بخشنامه عفو ۱۴۰۱ است

پرونده باید مختومه شود

وکیل الهه محمدی، خبرنگار روزنامه هم‌میهن می‌گوید، پرونده موکلش مشمول بخشنامه عفو سال ۱۴۰۱ است، اجرای حکم حبس، از نظر قانونی بی‌معناست و مصداق نقض صریح دستور عفو عمومی رهبری در سال ۱۴۰۱ است. شهاب‌الدین میرلوحی در گفت‌وگو با «هم‌میهن»، با تاکید بر شمول بخشنامه عفو رهبری درباره الهه محمدی گفت: «پس از صدور حکم برائت موکلم، خانم الهه محمدی، درباره اتهام همکاری با دول خارجی متخاصم، ما منتظر اعمال بخشنامه عفو و صدور قرار موقوفی در پرونده خانم محمدی هستیم؛ چراکه در حال حاضر اعمال دستور عفو عمومی رهبری، حق قانونی و طبیعی موکل و وظیفه مرجع قضایی مربوطه است و قاعدتاً می‌بایست با مساعدت مقامات ذی‌صلاح، پرونده خانم محمدی با صدور قرار موقوفی مختومه شود.»

دیروز صبح اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه‌قضائیه اعلام کرد که الهه محمدی و نیلوفر حامدی، خبرنگاران روزنامه‌های هم‌میهن و شرق براساس رأی دادگاه تجدیدنظر به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال حبس و به‌دلیل «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» به پنج سال حبس محکوم و در دادگاه تجدیدنظر از اتهام «همکاری با دولت متخاصم آمریکا» تبرئه شدند. او این را هم گفت که باتوجه به حکم صادره، مجازات اشد (پنج سال حبس) برای این افراد اعمال خواهد شد. پرونده آن‌ها جهت اجرای احکام به مراجع مربوطه ارسال شده است تا حکم نهایی اجرا شود. میرلوحی درباره صحبت‌های سخنگوی قوه‌قضائیه درباره اجرای حکم الهه محمدی گفت: «همانطور که سخنگوی قوه‌قضائیه در مصاحبه‌شان اعلام کردند، موکل من از اتهام همکاری با دول متخاصم خارجی تبرئه‌شده و حکم محکومیت فقط درباره دو اتهام دیگر (فعالیت تبلیغی علیه نظام و اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور) باقی مانده است که هر دو اتهام مشمول بخشنامه عفو و لذا اجرای حکم حبس، از نظر قانونی بی‌معناست و مصداق نقض صریح دستور عفو عمومی رهبری در سال ۱۴۰۱ است.»

این وکیل دادگستری ضمن ابراز امیدواری نسبت به شمول هرچه سریع‌تر عفو و مختومه‌شدن پرونده موکلش ادامه داد: «موکل من مشمول تمام شرایط بخشنامه عفو است؛ بازداشت و تشکیل پرونده برای او در راستای اعتراضات سال ۱۴۰۱ و پس از تاریخ ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۱ بوده است و اتهامات باقی‌مانده هم (صرف‌نظر از مباحث مفصل حقوقی و وارد نبودن اتهامات و فارغ از تمام انتقادات حقوقی‌ای که می‌توان به آرای صادره داشت) همگی مشمول عفوند و لذا مثل هزاران نفر دیگری که در جریان اتفاقات سال ۱۴۰۱ مشمول عفو شدند، پرونده ایشان هم باید مشمول عفو قرار بگیرد و مختومه شود. طبق قانون اساسی، افراد در برابر قانون مساوی‌اند و از حقوق مساوی برخوردارند. ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری هم تأکید کرده که قواعد قانون باید به‌صورت یکسان نسبت به تمام اشخاصی که در شرایط مشابه مرتکب جرائم مشابه شده‌اند، اعمال شود.» او در ادامه گفت: «اقتدار دستگاه قضایی متکی به اجرای صحیح و برابر قانون درباره همه افراد است و اجرای عادلانه و بدون تبعیض قانون درباره تمام شهروندان و استقلال رأی دستگاه قضا و مراجع و مقامات قضایی، باعث تقویت حاکمیت قانون و به‌تبع آن قوه‌قضائیه خواهد شد. ما امیدواریم که با تصمیم شایسته و قانونی، بالاخره پس از گذشت دو سال، پرونده خانم محمدی با صدور قرار موقوفی بسته شود.» وکلای نیلوفر حامدی، خبرنگار روزنامه شرق هم دیروز با ابراز تعجب از اظهارات سخنگوی قوه‌قضائیه به شبکه شرق گفتند که بدون هیچ اما و اگری، بخشنامه عفو اعلامی در سال ۱۴۰۱، شامل حال موکل‌شان خواهد شد: «مواردی چون صدور بیانیه مشترک نهادهای امنیتی در سال ۱۴۰۱ و ذکر نام آنان به اختصار و تاکیدشان بر بازداشت این روزنامه‌نگاران به‌دلیل حوادث پس از جان باختن خانم مهسا امینی، اشاره چندین‌باره دادنامه‌های صادره توسط دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر به اعتراضات پس از جان باختن مهسا امینی به علاوه اظهارات پیشین سخنگوی قوه‌قضائیه مبنی بر اینکه بازداشت این افراد به‌دلیل اعتراضات سال ۱۴۰۱ است، نشانگر آن است که بازداشت خانم حامدی به‌دلیل همین اعتراضات بوده است بنابراین اتهامات آنان، مشمول بخشنامه عفو ۱۴۰۱ خواهد شد.» آنها این را هم گفتند که: «این قانونی نیست که شما ابتدا کسی را بازداشت کنید و به او اتهامات سنگین امنیتی بزنید، علیه‌اش بیانیه منتشر کنید و بگویید جاسوس است، آن هم در شرایطی که از ابتدای امر مشخص بود اتهام جاسوسی در پرونده وجود ندارد. پس از این هم که از اتهام همکاری با دولت متخاصم تبرئه شد، به‌جای اعمال عفو، بگویید که پرونده‌اش برای اجرا فرستاده شده است؟